

# و آنچه ما داریم

## نگاهی تحلیلی به خصایص مثبت فرهنگ ایرانی و نقش آن در تبلور مدرنیته بومی

خلاصه کلام: در ادامه نوشته های قبلی که در باب فرهنگ ایرانی بود، در این مقاله به خصایص و ظرافت هایی در فرهنگ ایرانی اشاره می شود، که بیانگر هویت خاص فرهنگ ایرانی است. شناخت و درک این هویت موجب می شود که بتوان نسخه مدرنیته را به گونه ای بومی برای ایران پیچید که در حرکت به سمت هویتی مطلوب تر نه تنها انتهای حرکت که یک جامعه مدرن است، بلکه طول مسیر حرکت هم برای ایرانیان توأم با افتخار و اعتماد به نفس باشد. این مقاله نگاهی کلی به یک سری از روحيات ممتاز فرهنگی ایرانیان دارد که در دو قسمت اصلی «هنر و ظرافت در لذت» و «سطح بالای هیجان در زندگی» تنظیم شده است.

### \* مقدمه

در دو نوشته قبلی [۲، ۱] سعی شد که به قسمتی از مشکلات فرهنگی ما ایرانیان و ریشه های این مشکلات اشاره شود. با این حال به طور طبیعی این احساس برای بسیاری از خوانندگان و دوستان می تواند ایجاد شود، که با وجود این همه کاستی های فرهنگی، حتماً هویت ایرانی هویتی است کاملاً معیوب و اگر ما هم زمانی برخوردار از تمدنی پر افتخار بودیم، اینک تمدنی هستیم سرشار از کاستی، که چیزی برای عرضه نداریم و از آن گذشته درخشان [۳] جز چند جشن ملی چیزی به ارث نبرده ایم! در طول چند سال گذشته همان طور که با مقایسه فرهنگ های مختلف پی به بسیاری از کاستی های فرهنگ ایرانی برده ام (که عمدتاً از غیاب تفکر مدرن [۴] ناشی می شود)، در کنار آن هم بسیاری از توانایی های فرهنگ ایرانی را نیز لمس کردم. تواناهایی که به نظر من ریشه در نگاه اکثریت ایرانیان به زندگی دارد، نگاهی گرم که در جستجوی زیبایی و شادی است. البته به علت فقدان قدرت و ثروت کافی، توانایی تبلیغ و معرفی آنچه را که داریم، نداشته ایم به گونه ای که بسیاری اوقات خود هم فراموش می کنیم که چه داریم. در دنیایی که محصولات فرهنگی کشورهای مقتدر غربی، برای به دست آوردن بازار فروش بیشتر، در رقابتی نابرابر تلاش می کنند که محصولات فرهنگی بومی کشورها را

کمرنگ جلوه دهند، دفاع از آنچه که محصول قرن ها ممارست ما ایرانیان می باشد و در بسیاری از اوقات هویت پیچیده و ظریفی دارد، امری واجب می نماید. در این مقاله به این مساله خواهیم پرداخت که با اینکه فرهنگ حاکم بر ما ایرانیان حداقل در شرایط کنونی فرهنگی است که در بسیاری زمینه ها کارایی های خود را از دست داده است و در حرکت به سمت یک فرهنگ مدرن دچار استخاره ای طولانی مدت شده است، ولی همین فرهنگ، به شدت غنی است در تولید لذت، هنر و شادی، و مملو از ظرافت هایی است که بسیاری از فرهنگهای حاکم بر کشورهای پیشرفته فاقد آن هستند. ظرافت هایی که در راستای افزایش شادی و هیجان و در نتیجه لذت بیشتر بشر از زندگی تعبیه شده اند، لذت هایی که به نسبت ماندگارند و نه کاملاً موقتی و گذرا. البته شایان ذکر است که بسیاری از این قابلیت ها به دلایل مذهبی قدرت ظهور آنچنانی پیدا کرده اند و یا در دوره هایی به پیشرفت خود ادامه نداده اند [۵]. با این حال بسیاری نشانه ها حاکی از آن است که فرهنگ ایرانی توانسته است به استعدادهایی آراسته شود که در صورت عدم برخورد با موانع عقیدتی، قدرت شکوفایی فراوان دارد. شرط عقل است که آنچه را داریم حفظ کنیم و به آن بیفزاییم و نه ممکن است و نه عاقلانه است که برای ساختن خانه ای نو، خانه فعلی را از بن ویران کنیم. من در این نوشته سعی دارم به ارزشمند بودن قسمتی از بنیادهای فرهنگی ایرانیان اشاره کنم و در کنار آن به خصلت هایی از ما ایرانیان اشاره خواهم کرد که در کنار نکات منفی که دارند، فواید ویژه خود را نیز دارند و می توانند قابل پذیرش باشند. آشنایی با این روحیات قطعاً ما را به قبول این امر نزدیک می کند که هر ملت هویت خود را دارد و از نگاهی نقادانه نسبت به فرایند جهانی شدن [۶]، در روند تبلور مدرنیته در کشورها قرار نیست همه فرهنگ ها شبیه هم شوند. وجود تفاوت های بنیادی بین نژادها و فرهنگ ها ایجاب می کند که نسخه مدرنیته به گونه های متفاوت و به صورت بومی برای فرهنگ های مختلف پیچیده شود، که همین گوناگونی دنیا را زیباتر می کند. شناخت و درک مدرنیته بومی با اینکه کاره ساده ای نیست ولی روحیه مضاعف برای حرکت به سمت مدرنیته در ما ایرانیان ایجاد می کند.

## استعداد در تولید لذت و هیجان

با اینکه تاریخ ایران با تاریخ کشورهای جنوب اروپا همچون ایتالیا، اسپانیا و یونان تفاوت های جدی دارد، شباهت های نسبی آب و هوایی [۷، ۸] و نزدیکی عرض جغرافیایی و در نتیجه رفتار مشابه آفتاب در این سرزمین ها، شباهت های قابل مشاهده ای بین این فرهنگ ها ایجاد کرده است. امروزه تأثیرات آفتاب بر رفتار آدمی امری پذیرفته شده بین بسیاری از دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی است [۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴]. در حالی که همه این شباهت های فرهنگی بین فرهنگ ایران و کشورهای با آب و هوای مدیترانه ای را نمی توان لزوماً مثبت دانست ولی بسیاری از شباهت ها، در کنار بسیار از استعدادهای ویژه ایرانیان، جزو نقاط مثبتی است که این نوشته سعی در معرفی آنان دارد. در حالی که ایرانیان در مقایسه با اکثر کشورهای توسعه

یافته از فرهنگ کاری با بازده پایین رنج می‌برند [۱، ۲، ۱۵]، ولی در کنار این مشکل، توانایی آفرینش هنر، تعریف و ویرایش ظریف لذت و سرگرمی را دارند. به طور مثال در فرهنگ ایرانی شعر، هنرهای تزیینی، موسیقی و غذا جایگاه بسیار ویژه ای دارند [۱۶]. در حالی که در ایران برنج تنها در ناحیه های خاصی از ایران قابل رویش است [۱۷] و مسلماً در گذشته ای نه چندان دور عمومیت فعلی را نداشته است، غذاهای گوناگونی که در ایران از برنج تهیه می‌شود کم نظیر است [۱۸]. و یا کباب که غذای مرسوم بسیاری از کشورهای خاورمیانه است، که تنوع آن در ایران قابل توجه است [۱۹]. در حالی که موسیقی ایرانی در تاریخ رشد خود با مشکلات مذهبی مواجه شده است [۲۰] و آن طور که می‌توانسته است رشد پیدا نکرده است بازجذابیت و هویت خود را دارد و با تاریخچه ای چند هزار ساله تأثیری اساسی بر موسیقی های ملل دیگر گذاشته است [۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴]. بر خلاف موسیقی که با مشکلات مذهبی قابل ملاحظه ای روبرو شده است، شعر نسبتاً بدون برخورد با مانعی اساسی به رشد خود در تاریخ ادامه داده است و همکنون شهرت جهانی دارد [۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴]. مفهوم عشق بیان شده در اشعار ایرانی از جمله مولوی، حافظ و نظامی، بسیاری از مردم دنیا را شیفته خود کرده است و به گفته بی بی سی، همکنون مولوی (رومی) را به محبوب ترین شاعر آمریکا تبدیل کرده است [۲۶]. در حالی که هنر پیکره سازی و نقاشی به علت برخورد با موانع مذهبی در ایران از همانند خود در اروپا به نوعی عقب افتاده است [۵، ۳۵]، بسیاری از هنرهای دیگر طراحی همچون فرش بافی در ایران شهرت جهانی دارد [۳۶]. در حالی که یک ایرانی در ایران، معمولاً به علت وجود اختلال در بسیاری از سیستم های جامعه، استرس زیادی در زندگی روزمره تحمل می‌کند، در عوض به نظر می‌آید که زندگی پر هیجانی دارد و به همین سبب کمتر دچار حس تنهایی و گوشه گیری می‌شود. هیجانی که موضوع این کلام است، هیجانی است که برای نشاط و افزایش شادی زندگی است و نه لزوماً پذیرفتن ریسکی که می‌تواند تبعات اقتصادی داشته باشد.

اینها مثال هایی بود که خواننده را متوجه نکته ای ظریف کند و آن هم این است که با اینکه مردمان شمال اروپا که همکنون قدرت های برتر دنیا را تشکیل داده اند، توانایی این را داشته اند که با تکیه بر روحیه تلاشگر و قدرت طلب خود و استفاده از نظام فکری منطقی، به شکوفایی علمی و صنعتی برسند، فرهنگ ایرانی و بعضی از فرهنگهای مطرح دنیا انرژی بسیاری برچگونگی استفاده و لذت بیشتر بردن از امکانات موجود گذاشته اند. در حالی که بسیاری از فرهنگهای اروپایی اصل و مبنای زندگی را بر تولید و شکوفایی اقتصادی قرار داده اند، در فرهنگ ایرانی بخش زیادی از انرژی مردم صرف تولید لذت، خلق هنر و همچنین افزایش سطح هیجان زندگی می‌شود. در راه تولید لذت و هنر، علاوه بر صرف وقت، ایرانیان از پذیرش ریسک نیز هراسی ندارند و سطح هیجان بالاتری از فعالیت های روزمره طلب می‌کنند. در یک نگاه کلی این رفتارها و خصوصیات ایرانیان را می‌توان در دو دسته «هنر و ظرافت در لذت» و «سطح بالای هیجان در زندگی» تقسیم بندی کرد. خصوصیات اشاره شده باعث شده است که فرهنگ ایرانی در کنار بعضی از فرهنگ های گرم دنیا، استعدادهایی داشته باشند که بسیاری از فرهنگ های مترقی اروپای شمالی فاقد آنند. احتمالاً واژه فرهنگ گرم برای بسیاری

از خوانندگان واژه غریبی نیست، ولی با این حال برای روشن شدن بیشتر مطلب باید اینجا اشاره کنم که منظور از فرهنگ گرم، فرهنگ هایی است که معمولاً بیشتر عمر تکاملی خود را در نواحی گرم تر جغرافیایی طی کرده اند و همان طور که در ادامه مقاله به کرات اشاره خواهد شد، نقاط مشترک فراوانی با هم دارند. رفتارهای گرم به نوعی در هویت فرهنگ های گرم نهادینه شده است و به طور مثال، همان طور که گرما در فیزیک به نوعی بیانگر برخورد بیشتر ذرات با هم است، معمولاً در فرهنگ های گرم، انسانها برهمکنش بیشتری با هم دارند.

نکته جالب اینجاست که استعداد های اشاره شده در فرهنگ های گرم، برای بسیاری از فرهنگ های اروپای شمالی هم جذاب می نماید. به طور مثال، توجه قابل ملاحظه به فرهنگ ایتالیایی در فیلم ها و سریال های تلویزیونی، در کنار شهرت و نفوذ رقص و موزیک کشورهای اسپانیایی زبان آمریکای لاتین، مانند سالسا [۳۷] و تانگو [۳۸]، از این نمونه ها است [۳۹، ۴۰]. من بر این نظرم که اصولاً فرهنگ ایرانی با اینکه در مقایسه با بسیاری از فرهنگ های غربی جاه طلبی کمتری برای تولید قدرت، ثروت و ثبات در طول چند صد سال گذشته نشان داده است، ولی به علت اصالت و اهمیت لذت، هنر و هیجان در فرهنگ ایرانی، در اکثر دوران های تاریخ خود به موفقیت های قابل ملاحظه ای در خلق هنر و لذت و همچنین بالا نگه داشتن سطح هیجان زندگی دست یافته است و قابلیت این را دارد که در روند مدرن شدن جامعه با تاکید بر بسیاری از این استعدادهای، به تعریفی فاخر و ویژه از فرهنگ ایرانی برسد.

## \* هنر و ظرافت در لذت

### ۱. لذت شنیداری (سمعی)

زبان و شعر فارسی: مردم ایران مردمی شعر دوست می باشند که از زبانی موزون برای انتقال مفاهیم استفاده کرده اند و می کنند. تا آنجا که من از طریق گفتگو و مطالعات شخصی درک کرده ام، هویت و تاریخی که شعر در ایران دارد با هویتی که به طور مثال شعر در زبان انگلیسی دارد، تفاوت های بنیادی دارد [۴۱] و حتی در زبان انگلیسی بسیاری از شاعران مطرح متعلق به ایرلند بوده اند، که یکی از خون گرم ترین و البته سنتی ترین جوامع اروپاست [۴۲، ۴۳]. تاکید می کنم که ایرانیان بر زیبایی وزن و مفهوم شعر داشته اند، تقریباً منحصر به فرد است. در حالی که ترجمه شعر، بخش اعظمی از این ظرافت را از بین می برد و تقریباً تنها ظرافت های مفهومی را باقی می گذارد، شهرت شعر فارسی در جهان تصادفی نیست. مولانا جزو معروفترین شعرای دنیا می باشد

[۲۷] و به نقل از بی بی سی، در سالهای گذشته محبوب ترین شاعر در آمریکا بوده است [۲۶، ۳۴] و این محبوبیت شگفت انگیز در حالی رخ داده است که زمان زیادی از ترجمه های قوی از کارهای او به زبان انگلیسی نمی گذرد [۲۵]. خیام هم از دیگر شاعرانی است که شهرت جهانی دارد [۲۸]. تأثیری که حافظ، شاعر معروف ایرانی، بر یوهان ولفگانگ گوته گذاشته است [۴۴] و دیوانی که این شاعر آلمانی با الهام از حافظ سروده است [۴۵]، جای بسی تامل دارد. شعر فارسی کاملاً بر فرهنگ ها و زبان های مجاور شامل شبه قاره هند و زبان های عربی و ترکی تأثیر گذاشته است [۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹].

زبان فارسی با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است، ولی هویت بسیار فراتر از فلات ایران دارد و با این حال اکثر ایرانیان از این هویت گسترده خبر ندارند [۶۴]. به طور مثال قبل از استعمار هند توسط انگلیس، در زمان حکومت گورکانیان در هند، که ادامه دهنده امپراتوری تیموریان [۶۵] در هند بودند، فارسی زبان رسمی این امپراتوری وسیع بود [۴۸]. یا نقل می کنند که وقتی که شاه اسماعیل صفوی در ابتدای یکی از جنگهای خود قطعه شعری به زبان آذری برای پادشاه عثمانی فرستاد، پادشاه عثمانی شعری فارسی را در جواب او، برای شاه اسماعیل پس فرستاد [۶۶]. زبان فارسی جدا از اینکه زبان اصلی مردم سرزمین ایران با قومیت های مختلف بوده است، نفوذی بسیار در کشورهای مجاور خود همچون امپراتوریهای گورکانیان هند و عثمانی داشته است [۴۸، ۴۹]. این همه نفوذ قطعاً بدون حکمت نبوده است، آن هم در حالی که در کنار نفوذ زبان فارسی، نفوذ فرهنگ ایرانی هم در فرهنگ های دیگر دیده می شود و به طور مثال در امپراتوری گورکانیان در کنار دین اسلام، فرهنگ ایرانی جزو سرلوحه های فرهنگیشان بوده است [۴۸، ۵۰]. این نفوذ فرهنگی تا به آن حد است که ریچارد نلسون فرای [۵۱]، استاد بازنشسته دانشگاه هاروارد معتقد است که «...عربها دیگر نقش ایران و زبان فارسی را در شکل گیری فرهنگ اسلامی درک نمی کنند. شاید آنان آرزو دارند که گذشته را فراموش کنند، ولی با این کار آنها ریشه های معنوی، اخلاقی و فرهنگی خودشان را حذف می کنند...» [۵۰، ۵۲]

علاقه به شعر ایرانی قطعاً ریشه در ابعاد مختلف هویت شعر ایرانی دارد و تنها از یک زاویه نمی توان به آن نگاه کرد، ولی در مورد علاقه وافر به بعضی از شعرای ایرانی در مغرب زمین می توان به نکته ای جالب اشاره کرد، که البته یک بعد خاص شعر ایرانی را در بر می گیرد و آن هم مسحور کننده بودن مفهوم عشق شعر فارسی برای مردمان مغرب زمین است. اصولاً صحبت در مورد نژاد و همبستگی نوع نژاد با قدرت جنسی یا کارکرد نیمکره های چپ و راست مغز انسان، بعد از فجایع به وجود آمده در جنگ جهانی دوم صحبتی بحث بر انگیز و با تبعات فراوان است، ولی به نظرم اصولاً شناخت علمی از قومیت های مختلف به شرط اینکه در نتیجه گیری از آن به شدت محتاط باشیم، ممکن است که با کمک در شناخت بهتر از ملل و فرهنگ های مختلف، به درک بهتر قابلیت ملت ها منجر شود. جیمز واتسون [۵۳] برنده جایزه نوبل ۱۹۶۲ فیزیولوژی، در یکی از سخنرانی های بحث برانگیز خود در سال ۲۰۰۰، به نکته ای اشاره کرده است که گفتن آن خالی از لطف نیست.

این دانشمند آمریکایی در این سخنرانی مدعی شده است که بین رنگ پوست و یا شاید در معرض آفتاب قرار گرفتن و نیروی جنسی رابطه مستقیم وجود دارد و بین این دو ارتباط بیوشیمیایی برقرار است. برای روشن شدن سخن خود، واتسون به نکته ای ظریف اشاره می کند: «...و این دلیل این است که شما عشاق لاتین دارید... شما هیچ وقت از عاشق انگلیسی نشنیده اید. فقط (شما) مریض انگلیسی (را شنیده اید). فکر کنم اینجا به فیلم معروف مریض انگلیسی [۵۴] اشاره می کند.» [۱۱، ۹]. بر طبق این نظر، ایرانیان به عنوان ملتی که به نسبت مردم شمال اروپا رنگ پوست تیره تری دارند و بیشتر در معرض آفتاب هم قرار می گیرند (البته اگر محل زندگی آنان ایران باشد)، احتمالاً تابع توزیع نیروی جنسی آنان دارای میانگین بالاتری نسبت به تابع توزیع های کشورهای شمال اروپا می باشد. البته شاید مراد از نیروی جنسی، نه لزوماً ترشحات هورمونی، بلکه روحیه و خصایص جنسی انسانها هم باشد. حال به تاریخ ادبیات ایران اگر نگاه کنیم، جدا از منظومه های سراسر عشقی ویس و رامین، لیلی و مجنون [۵۵]، خسرو و شیرین [۳۱، ۵۶]، شیرین و فرهاد [۳۱] و یوسف و زلیخا [۲۹، ۳۰]، واژه عشق یکی از گل واژه های مشهور اکثر شعرای مشهور ما از جمله حافظ و مولوی است. اینکه عشق اشاره شده در کلام این بزرگان، زمینی است یا آسمانی، مایه بحث بسیار از ادیبان بوده است و من قصد ندارم وارد این بحث شوم، ولی فکر می کنم حتی بسیاری از کسانی که این عشق ها را به طور کامل آسمانی می پندارند قبول داشته باشند که شاید شدت یک عشق زمینی و احساسات غلیظی که آنان در آن عشق تجربه کرده اند منجر به تعریف و یا تجربه عشق آسمانی شده باشد. به طور مثال بسیاری بر این عقیده اند که عشق حافظ به دختری به نام شاخ نبات نقشی اساسی در شکل گیری شعر این شاعر جهانی داشته است [۳۲، ۳۳، ۵۷]. پس شاید یکی از دلایل محبوبیت و شهرت شعر فارسی ریشه در نگاهی دارد که شاعران فارسی گوی نسبت به عشق داشته اند، وابستگی، کشش و دوست داشتنی که به نوعی برای بسیاری از مردم مغرب زمین غریب و شگفت انگیز بوده است، چرا که تعداد کمتری از آنان چنین تجربه ای را در زندگی روزمره خود داشته اند و یا اگر داشته اند با دید مثبت به آن نگاه نکرده اند و جدا از این بسیاری از ملل دیگر دنیا هم توانایی این را نداشته اند که این حس را به ظرافت و زیبایی ایرانیان مطرح کنند.

یکی از دلایل دیگر غریبه بودن عشق مطرح شده در اشعار ایرانی برای بسیاری از مردم مغرب زمین، افزایش فردگرایی در بسیاری از جوامع مدرن است [۵۸] که ریشه در تفکر اقتصاد آزاد و لیبرالیسم دارد و از دیدگاهی موجب افزایش خودخواهی انسانها می شود [۵۹، ۶۰]. خودخواهی ناشی از افزایش فردگرایی به نوعی با مفهوم عشق مطرح شده در اشعار فارسی در تناقض است و همین باعث کم شدن احتمال وقوع چنین روابطی در مغرب زمین می شود. یکی از دلایل محبوبیت مولوی در جهان برمی گردد به آخرین ترجمه هایی که از کارهای او توسط کلن بارکز [۶۱] شده است و در این ترجمه ها مفهوم عشق بیشتر مفهومی زمینی و جسمانی ارایه شده است [۲۵] و این شاهدهی دوباره است بر اینکه بسیاری از لذت های معنایی که خواننده های غربی را شیفته خود می کند و به آنان حس پرواز به سرزمینی ناشناخته را می دهد، قدرت احساسی نهفته در شعرهای پارسی است که معمولاً در مفهوم عشق تجلی پیدا می کند. اصولاً کلمه «love» در انگلیسی دقیقاً

مترادف کلمه عشق فارسی نیست و طیفی از شدت احساسی بین عشق و دوست داشتن را می پوشاند و کلمه «like» هم مفهومی بینابین دوست داشتن و خوش آمدن دارد.

### طنز و فکاهی: حجم تولیدات طنزی ایرانیان قابل توجه است و به طور متوسط هر ایرانی انرژی قابل

ملاحظه ای را در تولید، ویرایش و پخش فکاهی و طنز مصرف می کند. به طور مثال یکی از کارکردهای اصلی پست اینترنتی و پیام کوتاه تلفن همراه در ایران، پخش طنز و فکاهی است و استفاده ای که از تلفن همراه برای این امر می شود کاملاً خیره کننده است [۶۲، ۶۳]. ولی نکته اینجاست که طنز و شوخی درحالی که باعث شادی و انبساط خاطر ما می شود لبه برنده ای دارد. لبه ای که گهگاه ما و یا رفتارهای ما را زیر سوال می برد و به خاطر همین در بسیاری از اوقات باید بین طنز و شوخی از یک سمت و حفظ غرور از سمتی دیگر، یکی را انتخاب کرد. طنز، فکاهی و سرگرمی های خنده دار جزو دل بستگی های همه مردم دنیاست و مقایسه کردن وضعیت طنز در ایران با دگر نقاط دنیا امری سخت و پیچیده است ولی حداقل به نظر می آید که طنز و رد و بدل کردن روزانه آن بین ایرانیان یک مفهوم بسیار گسترده و دایره ای بسیار وسیع دارد. طنز ایرانی به عنوان یکی از اصلی ترین وسایل ارتباطی بین ایرانیان از شکستن بسیاری از مرزهای حساس باکی ندارد و تحمل شکسته شدن این مرزها به نوعی در اکثریت ایرانیان جا افتاده است. به طور مثال، در حالی که به نظرم مطرح کردن لطیفه های قومی، امری مشکل دار است، بسیار برایم جالب بوده است که شاهد این باشم که به طور مثال آذری زبان ها خود در تولید و پخش طنز درباره آذری زبان ها فعال باشند، چرا که در بسیاری از اوقات لذت خنده، خندانند و ارتباط حاصله را به حفظ غرور ترجیح داده اند و این نحوه اولویت بندی خود نشان از اهمیت طنز، فکاهی و سرگرمی در میان ما ایرانیان دارد. بسیاری از طنزها و لطیفه های ایرانی سرشار است از ظرافت هایی که بی شباهت به شعر ایرانی نیست و همان طور که شعر ایرانی دایره وسیعی از مسایل را می پوشاند، طنز ایرانی هم بسیاری از مسایل جامعه را رصد و بگونه ای پر نشاط بیان می کند.

### موسیقی ایرانی: موسیقی ایرانی تاریخی بیش از چند هزار سال دارد. به طور مثال حکاکای زن های چنگ

زن در طاق بستان متعلق به دوره ساسانیان حکایت از جایگاه موسیقی در ایران قبل از حمله اعراب دارد [۲۱] و وجود قسمتی از کتاب اوستا (یشت [۲۲]) که شامل سرودهای مذهبی است باز حاکی از اهمیت موسیقی در ایران باستان دارد. بر طبق اسناد تاریخی، در زمان ساسانیان موسیقی ایرانی به جایگاه رفیعی رسیده بوده است و موسیقیدانان از نظر رده اجتماعی در مرتبه ای بلند قرار می گرفته اند. موسیقیدانان بزرگی همچون باربد، سرکش (سرکس)، رامتین و نکسیا در این دوره ظهور کرده اند [۲۰، ۲۳]. با اینکه در طول ۱۳۰۰ سال گذشته در بسیاری از دوره ها بسیاری از قدرتمندان بر این اساس که موسیقی و یا قسمتی از آن در تضاد با اسلام است بر سر رشد و شکوفایی آن مانع تراشیده اند [۲۰]، موسیقی همچنان در بسیاری از دوره ها به رشد خود ادامه داده است و حرفهای زیادی برای گفتن در جهان دارد. به طور مثال زریاب، هنرمند بسیار برجسته ایرانی دوره عباسیان، تاثیری شگرف بر موسیقی اسپانیا گذاشته است و می توان او را بنیانگذار سبک

اندلسین شمال آفریقا و خاورمیانه دانست [۶۷]. ویکتور سرگیویچ وینوگرادوف که کتابی در زمینه موسیقی کلاسیک ایران نوشته است، معتقد است که موسیقی ایرانی در طول تاریخ تا حتی بخش های مرکزی روسیه هم نفوذ کرده است و به طور مثال به تاثیر موسیقی ایرانی بر موسیقی دان مشهور روسی، مودست پتروویچ موسورگسکی [۶۸]، اشاره کرده است [۲۴]. تعدد سازها [۶۹] و مقام ها یا دستگاه ها که شامل هفت دستگاه ردیف و پنج سبک آواز مرتبط به این دستگاه ها می شود، در موسیقی سنتی ایران حکایت بارزی از ظرافت موسیقی ایرانی دارد [۷۰]. جدا از موسیقی سنتی ایرانی که هویت ممتاز خود را دارد، موسیقی های محلی ایرانی هم هر کدام به نحوی هویت خود را دارند [۷۱]. همه کلام بالا گواه این است که موسیقی ایرانی با تمام مشکلاتی که بعد از حمله اعراب به ایران برخورد کرده است، یکی از قسمت های فرهنگ ایرانی است که با سابقه ای درخشان، ظرافت فرهنگ ایرانی را در تولید سرگرمی های هنری نمایان می کند. متأسفانه با توجه به محدودیت دانشم در زمینه موسیقی و کمبود منابع، نمی توانم مقایسه ای دقیق بین موسیقی ایرانی و موسیقی رایج غربی انجام دهم و با اینکه معتقدم موسیقی پاپ ایرانی هم هویت خاص خود را دارد ولی برای حفظ دقت نوشتار، از بسط این نظر پرهیز می کنم.

## ۲. لذت چشمی (بصری) و هنرهای تجسمی

همان طور که در مقاله مشکلات فرهنگی ما ایرانیان [۱] در قسمت «ایده آل گرایی ما ایرانیان» به آن اشاره شد، از دیدگاه نویسنده، ظاهرگرایی یکی از مشخصه های فرهنگ ایرانی است که البته در مقالات قبلی به نکات منفی آن در سه بخش تجمل گرایی، آسیب دیدن نظام اطلاعاتی و فاصله روشنفکران و توده اشاره شد. ولی در کنار نکات منفی اشاره شده، نکات کاملاً مثبتی هم در این اهمیت به ظاهر و هر چه زیبا کردن محیط پیرامون دیده می شود. به طور مثال تجمل گرایی ایرانی در صورتی که بدون نادیده گرفتن مسایل بنیادی و نیازهای طبیعی خانواده باشد، به نوعی بیانگر علاقه ایرانیان به ظرافت و زیبایی دارد. همین علاقه به زیبایی است که موجب شده است که بسیاری از هنرهای مرتبط با دکوراسیون و تزیینات خانه در ایران رشد بسیار یافته است.

از فرش ایرانی که در همه دنیا به زیبایی معروف است [۳۶] تا هنرهای میناکاری [۷۲]، خاتم کاری [۷۳]، منبت کاری [۷۴]، معرق کاری [۷۵] و ده ها هنر دیگر ایرانی نشانگر علاقه قابل ملاحظه ایرانیان به زیبایی و ظرافت است. این در حالی است که فرش ایرانی در رقابت با ده ها کشور دیگر به چنین منزلتی دست یافته است و صرفاً این استدلال که چون زنان ایرانی در جوامع سنتی تر ایرانی امکان اشتغال به کار دیگری را نداشته اند و یا چون به محیط خانه محدود بوده اند، این چنین ظریف میبافند، نمی تواند توجیه گر این برتری نسبت به سایر کشورهای فعال در صنعت فرش باشد. با اینکه لباسهایی که ایرانیان همکنون می پوشند به نوعی از غرب وارد



ایران شده است و عمری حدود ۱۰۰ سال دارند، باز می بینیم که ایرانیان توانسته اند در طراحی زیبای این لباس ها به سطح قابل قبولی برسند و در صورت صنعتی شدن بیشتر جامعه ایران قطعاً ایرانیان می توانند سهم بزرگتری از بازار جهانی لباس را کسب کنند. موفقیت بیژن پاکزاد [۷۶] و شهرت جهانی این طراح لباس آن چنان تصادفی نیست [۷۷، ۷۸]. این موفقیت در حدی است که به قول بی بی سی «بیژن پاکزاد، طراح مد، احتمالاً میان غیرایرانیها شناخته شده ترین ایرانی مقیم خارج از کشور است.» [۷۹] و جالب اینکه خود او هم ایرانی بودن خود را عامل اصلی موفقیت خود می داند [۷۹].

در حالی که ایران در قسمتی کاملاً کم آب واقع شده است و تنها ۱۱٪ خاکش قابلیت کشاورزی دارد [۸۰]، باغهایی که ایرانیان سعی کرده اند با امکانات محدود طراحی کنند برای بسیاری از جهانیان جلب توجه می نماید و مورد استفاده سایر فرهنگ ها قرار گرفته است [۸۱، ۸۲]. این باغها بر اساس اصولی مانند «سلسله مراتب»، «تقارن»، «مرکزیت» و «تنوع در وحدت» ساخته شده اند و به طور مثال بنای بسیار مشهور تاج محل در هندوستان به سبک باغهای ایرانی ساخته شده است [۸۳، ۸۴].

با اینکه اشکالی از خوشنویسی در فرهنگ های مختلف دیده می شود، ولی خوشنویسی بیشتر در کشورهای خاور دور و کشورهای خاورمیانه به عنوان هنری شاخص مطرح بوده است [۸۴] و خطاطی ایرانی با داشتن تاریخی طولانی که به پیش از حمله اعراب می رسد [۸۵] یکی از مطرح ترین این اشکال خوشنویسی بوده است و حتی بعد از حمله اعراب نقش اصلی را در خطاطی نگارش عربی به عهده داشته است، وجود سبک های تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق گواهی بر این مدعاست که ایرانیان خلاقیت و همتی فراوان برای زیبا نویسی به خرج داده اند [۸۴، ۸۶] و یکی از زیبایی های بسیاری از مساجد ایرانی از جمله مساجد اطراف میدان نقش جهان، هنر خطاطی به کار رفته در معماری آنان است [۸۷].

ممکن است این سوال پیش بیاید که چرا ایرانیان نتوانسته اند آنچنان که باید و شاید در عرصه نقاشی، مجسمه سازی و حرکات موزون (رقص) موفق باشند. مخالفتی که عقاید مذهبی گذشتگان و بعضاً حال قسمتی از جامعه با این هنرها و یا قسمتی از این هنرها داشته اند (مانند تحریم صورتگری در طول تاریخ) [۵، ۳۵]، قطعاً دلیل اصلی عدم رشد چنین هنرهایی بوده است وگرنه پیکره تراشی های تخت جمشید و یا تخت رستم گواهی بارز از شکوفایی این هنرها در هزاران سال پیش در بین ما ایرانیان دارد. حتی در یک صد سال اخیر که عقاید به نسبت سابق مدرن تر شده است شاهد شکوفایی نقاشی و مجسمه سازی در ایران هستیم و شاهد هستیم که بسیاری از این کارهای هنری ایرانی با قیمت های بسیار بالا در بازارهای بین مللی به فروش می رسند [۸۸]. من بر این باورم که اگر ایرانیان در تاریخ به چنین مشکلاتی بر نمی خورده اند، نقاشان ایرانی می توانسته اند به شهرت جهانی برسند و همان طور که تاریخ هنر پر است از نقاشان و پیکره تراشان ایتالیایی، ایرانیان هم می توانسته اند قسمت بزرگی از این تاریخ را پر کنند.

قطعاً به علت ناکارآمدی فرهنگی و عدم تولید ثروت زیاد در کشور، سهم عموم مردم از همه این ظرافت ها آنچنان بالا نیست، ولی با این حال همین که عده ای در جامعه حاضرند پول خود را صرف لباس زیباتر و فرشی با بافت ظریف تر کنند خود باعث می شود که این صنایع توسعه قابل ملاحظه ای بیابند. من بر این باورم که به علت همین توانایی ها، در صورت مدرن شدن ساختار جامعه ایران، همان طور که میلان (ایتالیا) به پایتخت مدل لباس (fashion) جهان تبدیل شده است [۸۹]، ایران هم این قابلیت را دارد که با تولید محصولات ظریف به یکی از قدرت های مطرح در جهان در زمینه پوشاک زیبا تبدیل شود.

### ۳. غذای ایرانی

یکی از نقاط قوت فرهنگ ایرانی که باز بیانگر ظرافت فرهنگ ایرانی می باشد، غذای ایرانی است [۹۰، ۹۱]. در حالی که همه فرهنگ ها به غذا نه تنها به عنوان تامین کننده نیازهای بدن بلکه به عنوان زمینه ای برای لذت بردن از زندگی نگاه می کنند، ولی تأکیدی که فرهنگ ایرانی و بعضی از فرهنگ های گرم بر لذت بیشتر از تغذیه داشتند و دارند موجب شده است که سفره های آنان به نسبت رنگین تر، متنوع تر و با غذاهای پیچیده تری باشد. کسانی که تجربه سفر یا زندگی در آمریکای شمالی را داشته اند شاید متوجه شده باشند که در کانادا و آمریکا که سرزمین مهاجران است، اکثریت غذاهای متداول در بسیاری از نقاط، غذاهایی است که ریشه های ایتالیایی [۹۲]، یونانی، ایرلندی و مکزیک دارد و این در حالی است که بدون در نظر گرفتن چند ایالت خاص، همچون ایالت فرانسوی زبان کبک کانادا، اکثریت ساکنان اولیه آنها را اروپایی ها و به ویژه انگلیسی ها و آلمانی ها تشکیل می داده اند [۹۳]. و جای تعجب دارد که شما در کانادا و آمریکا، آنچنان به غذاهایی با ریشه های انگلیسی، آلمانی، سوندی، نروژی، هلندی و یا دانمارکی برخورد نمی کنید. البته بعضی از غذاهای ساده مثل برگر، سوسیس و هات داگ ریشه های آلمانی دارند که در طول زمان به فرم های جدیدتری در آمده اند [۹۴] ولی اینان جزو غذاهای اصلی رستوران های بزرگ نیستند و بیشتر در رستورانهای غذاهای سریع (fast foods)، دکه های دوره گرد و غذاخوریهای کوچک ارابه می شوند. به نوعی رستوران های آمریکای شمالی در تسخیر فرهنگ های گرم جنوب اروپا و آمریکای لاتین است و طبق آماری از هر ۱۰ آمریکایی نزدیک به ۹ نفر غذاهای مکزیکی، ایتالیایی و چینی را امتحان کرده اند و نیمی از آنان این غذاها را به صورت متناوب مصرف می کنند [۹۵]. امروزه در کنار هات داگ، همبرگر و استیک، غذاهایی همچون پاستا (ماکارونی)، پیتزا، تاکو (غذای سنتی مکزیکی) و سوولای (یک نوع کباب یونانی) به عنوان غذاهای معمول مردم آمریکای شمالی در آمده است [۹۶، ۹۷] که این غذاها ریشه های ایتالیایی، مکزیکی و یونانی دارند. غذاها و خوراکی های ایرانی همانند غذاها و خوراکی های ایتالیایی و یونانی (به گواه ایرانیان و غیر ایرانیان) متنوع و مطبوع هستند و با

اینکه به علت سن کم روند مهاجرت ایرانیان به آمریکای شمالی [۹۷]، ایرانیان فرصت معرفی غذاهای خود به فرهنگ های دیگر را کمتر داشته اند، بسیاری از ایرانیان از غذای ایرانی به عنوان زمینه ای برای معرفی ظرافت فرهنگ ایرانی استفاده می کنند. نکته ای که نباید فراموش کنیم این است که این همه تنوع خوراکی در کشوری خلق شده است که تنها ۱۱٪ خاکش قابلیت کشاورزی دارد [۸۰] در حالی که به طور مثال این آمار برای بریتانیا بیش از ۲۳٪ است [۹۸]، برای آلمان ۳۴٪ [۹۹] و برای فرانسه بیش از ۳۵٪ است [۱۰۰]. البته نکته ای که می تواند مطرح شود این است که نسبت مساحت ایران به مساحت این کشورها کاملاً زیاد است، ولی نباید این نکته را از نظر دور بداریم که کشورهایی مانند انگلیس و فرانسه با مستعمرات فراوان در چند صد سال اخیر، به مواد غذایی خام بسیاری از کشورها دسترسی داشته اند.

این نظر که ایرانیان ظرافت و استعدادی فراوان برای تهیه خوراکی ها و غذاهای خود به خرج داده اند، مبتنی بر شواهد آشکاریست، به طور مثال به چند نکته اشاره می کنم:

**پلوها:** در ایران تنها نقاط خاصی از کشور مستعد تولید برنج می باشد و نزدیک به ۹۰٪ تولید برنج ایران محدود به استانهای شمالی ایران می باشد [۱۷]. چنین امری با توجه به سختی حمل و نقل از استانهای شمال البرز به استانهای دیگر ایران تا همین چند دهه گذشته قطعاً موجب سختی بسیار در دسترسی به برنج در بسیاری از نواحی ایران می شده است. ولی همه ما می دانیم که غذاهایی که همراه با برنج است محدود به استانهای شمالی ایران نمی شود و ده ها مورد غذا که همراه با پلو درست می شود در فرهنگ ایرانی دیده می شود از غذاهایی که همراه با خورش است [۱۰۱] تا غذاهایی که مخلوطی از پلو و سبزیجات است (مانند عدس پلو) [۱۸]. تزیینات پلو توسط زعفران و زرشک و همچنین انواع ته دیگ، جزو مشخصات دیگر پلو ایرانی است.

**خورشت ها:** تنوع خورش است ها در ایران [۱۰۱] و در کنار آن پیچیدگی تهیه آنان، نمونه ای دیگر از تنوع و ظرافت در غذاهای ایرانی است. تنها معدود کشورهایی در دنیا دارای چنین تنوعی در تهیه مخلوط گوشت و سبزیجات می باشند که از این کشورها می توان به هند اشاره کرد و این در حالی است که جمعیت و وسعت هند قابل مقایسه با ایران نیست.

**کباب ها:** در حالی که شاید تنوع کباب ها [۱۹] در ایران همانند خورش است ها نباشد و تعدادی از این کباب ها هم از فرهنگ های مجاور وارد ایران شده اند، نحوه تهیه بسیاری از این کباب ها مختص فرهنگ ایرانی است. در کنار این، ظرافتی که ایرانیان در همراه کردن کباب با پلو دارند در کمتر کشوری دیده می شود.

**شیرینی های ایرانی:** کسانی که با شیرینی های فرهنگ های مختلف آشنا هستند، قطعاً به تنوع بسیار زیاد در شیرینی های ایرانی [۱۰۲] پی برده اند. با اینکه اصولاً عمر شیرینهای تر به خاطر شرایط نگهداری آنان و همچنین کم بودن تولید و مصرف محصولات لبنی در ایران در مقایسه با کشورهای اروپایی، نمی تواند زیاد بوده باشد، تنوع این نوع شیرینها باز گواه از خلاقیت و ظرافت طبع ایرانی دارد. ایرانیان تاریخی طولانی در تولید

شیرینی جات داشته اند، بستنی، نه البته به صورت فعلی، ۲۴۰۰ سال پیش در ایران اختراع شده است [۱۰۳] و طبق منابع مختلف، ریشه تاریخی شیرینی های خشک غربی (cookie) به کلوچه ایرانی در ۱۳۰۰ سال پیش می رسد [۱۰۴، ۱۰۵]. البته حداقل در مورد بستنی، ایرانیان آنچنان در تاریخ تحول آن مشارکت نداشته اند که شاید ریشه در کم بودن تولید و مصرف محصولات لبنیاتی در آسیا نسبت به اروپا داشته باشد (به خاطر مشکل دار بودن هضم لاکتوز برای اکثر مردم آسیا [۱۰۶، ۱۰۷]).

همه موارد فوق گواهی بر این است که ایرانیان انرژی قابل ملاحظه ای را صرف تهیه متنوع تر و مطبوع تر غذاها کرده اند. قطعاً با حضور بیشتر زن در جامعه (بیرون از منزل) در اثر مدرن شدن جامعه و نیاز به نیروی کار بیشتر، وقت کمتری برای خانواده در تهیه غذاهای رنگارنگ باقی می ماند، ولی مدرنیته خود به سبکی دیگر با صنعتی کردن تولید این غذاها به صورت انبوه (غذاهای آماده و کنسروها) و همچنین توسعه نظام غذای خارج از منزل و غذاخوریها، به نوعی دیگر رشد و بقای این قسمت از فرهنگ ایرانی را تضمین می کند و شاید منجر به معرفی بهتر غذای ایرانی به سایر فرهنگ ها نیز شود.

## \* هیجان یا آرامش

در حالی که یک ایرانی در ایران به علت اختلال در بسیاری از سیستم های زندگی خود که مسلماً بسیاری از آنان ریشه های فرهنگی دارد، معمولاً استرس زیادی در زندگی خود تحمل می کند، در عوض در زندگی خود هیجان زیادی هم حس می کند و کمتر دچار حس تنهایی و گوشه گیری می شود. من معتقدم در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان، مردم ایران بیشتر در مسایل روزمره زندگی خود استرس تحمل می کنند و در عوض استرس کمتری در محیط های کار خود حس می کنند چرا که کارایی که از افراد در ایران در محیط کار توقع می رود، اندک است. ولی در کنار استرس های زندگی، ایرانیان هیجان بالاتری را در زندگی روزمره خود تجربه می کنند. البته صحبت بالا، در شرایط فعلی بیشتر مشمول مردان و نه زنان می شود، چرا که زنان در ایران به شدت محدودند و همین محدودیت باعث کاهش هیجان در زندگی آنان می شود [۱۰۸]. جدا از این در جوامع به شدت مذهبی یا سنتی ایرانی که قدرت مذهب در تعریف باید ها و نباید ها افزایش می یابد، میزان هیجان قطعاً کاهش می یابد، چون کم شدن تنوع رفتار ها و برهمکنش ها با جامعه، کاهش هیجان را در پی دارد. در نتیجه بسیاری از مطالب زیر برای ایرانیانی صادق است که از یک میزانی مدرن تر باشند و بر اساس یک فرهنگ کاملاً سنتی زندگی نکنند. هیجانی که موضوع این صحبت است با هیجان و یا پذیرفتن ضریب ریسک اقتصادی که در بسیاری از فرهنگ ها وجود دارد، فرق دارد. هیجانی که موضوع این کلام است، هیجانی است که برای نشاط و افزایش

شادی زندگی است و نه لزوماً پذیرفتن ریسکی که می تواند تبعات مالی و اقتصادی داشته باشد. به طور مثال مردم بسیاری از کشورهای انگلیسی زبان حاضرند که برای به دست آوردن قدرت و ثروت، ریسک های بزرگی کنند ولی همین مردم برای زندگی روزمره خود، انگیزه کمتری برای پذیرفتن ریسک در لذت ها دارند و آرامش را شاید ترجیح دهند.

کسانی که در کشورهای متری دنیا زندگی کرده اند احتمالاً این موضوع را حس کرده اند، که در حالی که نظم، قانون و روحیه پشتکار در کار حاکم در این کشورها باعث افزایش ثبات، نظم و رفاه و در نتیجه فراهم آمدن آرامش و آسایش در زندگی مردم شده است، از جنبه ای دیگر کاهش هیجان زندگی آنان را نیز سبب شده است. چرا که هدف اساسی سیستم جامعه تولید ثبات و پیشرفت جامعه است. همان طور که بچه ای بسیار درسخوان حاضر است به جای بازی به مطالعه پردازد، جامعه در راه رسیدن به تولید بیشتر ثبات و پیشرفت حاضر است بسیاری از لذت ها را کم رنگ کند و زمان و انرژی کمتری را برای لذت بردن مصرف نماید. اینکه آیا چنین نگاهی به زندگی کاملاً درست است یا نه، بسیار به نوع شخصیت انسان ها و اهداف آنان و تاثیر این نوع نگاه در متوسط رضایت آنان از زندگی و البته تاثیر این نگاه در شکوفایی اقتصادی جامعه، بستگی دارد.

اصولاً تاثیر شگرف آب و هوا و بالاخص تابش آفتاب بر حالات و رفتار انسان امری پذیرفته شده است، به طور مثال یافته های محققان دانشگاه میشیگان نشان می دهد که هوای گرم آفتابی باعث افزایش و بهبود روحیه می شود [۱۰] و از جهتی دیگر عده ای بر این عقیده اند که هوای گرم موجبات رفتارهای پرخاشگرانه و افزایش خشونت را فراهم می آورد [۱۲، ۱۳]. قرار گرفتن ایران در ناحیه ای به نسبت گرم و آفتابی در مقایسه با کشورهای مدرن اروپایی قطعاً باعث تفاوت رفتاری ایرانیان نسبت به آنان می شود که از دیدگاه من، به طور واضح در میزان علاقه به هیجان و همچنین رفتارهای آناشسی وار در زندگی ایرانیان، قابل مشاهده است.

یکی از راه های بررسی سطح رضایت افراد جامعه از زندگی، بررسی میزان شیوع افسردگی در آن جامعه است. البته اینجا باید به این نکته اشاره کنم که این گزاره که «مردمان جوامع گرم سطح هیجان بالاتری در زندگی طلب می کنند»، لزوماً به این معنا نیست که آمار افسردگی در کشورهایی با فرهنگ های گرم باید پایین تر باشد، بلکه شاید هم به این معنا باشد که شرایط یکسان روابط اجتماعی و هیجان در زندگی های دو فرد یکی از فرهنگ سرد و یکی از فرهنگ گرم، به احتمال بالاتری در فرد دوم تولید افسردگی می کند. دلیل این تفاوت رفتاری می تواند این باشد که انسان های فرهنگ های سرد به نوعی مستقل می توانند از تلاش فراوانی که بابت تعریف شخصیت خویش می کنند و غرور ناشی از آن، لذت ببرند و به نوعی با انجام فعالیت های انفرادی مثل ورزش های فردی، به افزایش روحیه پردازند. البته قراین زیادی وجود دارد که افسردگی در جوامع مدرن بالاخص در جوانان رو به رشد است [۱۰۹]، و در حالی که میزان افسردگی شدید در کشورهای بسیار پیشرفته نزدیک به ۱۵٪ است [۱۰۹] این میزان بر طبق آماری در ایران بین ۵-۱۰٪ می باشد [۱۱۰] و بر طبق آماری دیگر ۱۰-۱۵٪

۱۲٪ است [۱۱۱]! با اینکه به آمارهای گرفته شده در ایران در بسیاری از اوقات اعتماد کمی وجود دارد، ولی حداقل به قرآینی با همه مشکلات موجود در ایران، آمار افسردگی در ایران بیشتر از بسیاری از کشورهای پیشرفته نیست و جدا از این بسیاری از افسردگی های فعلی در ایران ریشه در محدودیت های شدید زنان در بعضی جوامع سنتی ایرانی دارد که با کمی مدرن شدن این جوامع این آمار می تواند کاهش یابد. بر طبق نظر سازمان بهداشت جهانی، تا سال ۲۰۲۰ افسردگی به دومین عامل مرگ و میر در جهان بعد از بیماریهای قلبی تبدیل می شود [۱۰۹] و این به نوعی خود بیانگر مشکلی بزرگ در روند حرکتی بسیاری از فرهنگ هاست، روندی که در کنار ایجاد ثبات و امنیت شاید نتوانسته است موجبات شادی بیشتر مردم را فراهم نماید.

البته آشکارا پیداست که در جامعه ای که بسیاری از ساختارها مدرن نیست و مبتنی بر نظام سنتی است، به نوعی تسلط انسان بر آینده و محیط اطراف خود کم می شود و به همین سبب، رفتارها و اتفاقی های غیر قابل پیشبینی زیادی در زندگی انسان ها رخ می دهد که خوب هم موجب هیجان می شود و هم در بسیاری از اوقات موجب تولید استرس و تشویش می شود و من چنین هیجانی را جزو خواص جامعه سنتی می دانم نه خصوصیات مثبت فرهنگ ایرانی. در حقیقت بسیار طبیعی است که انسان با مسلط شدن بر محیط های اطراف خود (به طور مثال پیش بینی دقیق هواشناسی)، سطح هیجان را همراه با میزان استرس و نگرانی کاهش دهد، و کمتر کسی بر مفید بودن تسلط انسان بر محیط اطراف شک دارد، ولی آنچه که منظور این سطور است، یک هیجان هدفمند برای ارضای نیازهای روانی فردی است. در حقیقت در فرهنگ ایرانی، در بسیاری از اوقات، انسانها به صورتی هدفمند تلاش می کنند که هیجان را در زندگی افزایش دهند، حتی اگر چنین رفتاری تا حدی ثبات و آرامش آنان را به هم بریزد.

برای واضح تر شدن مطالب بالا، مساله هیجان در زندگی ایرانیان و اثرات آن را در چند دسته کلی بررسی می کنم:

## ۱. فردگرایی و زندگی گروهی

درحالی که در زندگی اجتماعی حاکم بر اکثر کشورهای مرفعی غرب، نوعی فردگرایی (individualism) مشاهده می شود، در زندگی ایرانیان، معاشرت های اجتماعی جایگاه ویژه ای دارد، جایگاهی که نکات مثبت و منفی خود را دارا می باشد. البته فرد گرایی و در نقطه مقابل آن (collectivism) مبحثی است بسیار گسترده و بحث برانگیز که در این قسمت سعی می شود که به اختصار در مورد آن صحبت شود. در حالی که فردگرایی می تواند منجر به افزایش استقلال رای، آزادی انتخاب و نوعی از آسایش فردی شود، رفتارهای نزدیک غالب

جوامع ایرانی، منجر به افزایش هیجان، تولید حس تعلق و عدم احساس تنهایی و شادی می شود. در حالی که بسیاری از سرگرمیهای جمعی در جوامع غربی بدون مکالمات جدی و سنگین در جمع همراه است و بر نقطه ثقل خارجی همچون تلویزیون، موسیقی و طبیعت بنا می شود، بسیاری از سرگرمیهای ایرانی بر گفتگو و گپ جمعی استوار است. در حالی که بسیار دیده می شود که در کشورهای غربی یک فرد یا یک زوج به تنهایی به غذاخوری، سینما یا پارک می روند، معمولاً ایرانیان سعی می کنند که در غالب یک گروه به انجام چنین فعالیت هایی مبادرت کنند که قطعاً در کنار افزایش لذت منجر به کاهش هویت فردی هم می شود چرا که دیگر بسیاری از تصمیمات را نه تو فرد، بلکه یک جمع می گیرد. ولی امنیت و هیجانی که هویت جمعی ایجاد می کند، باعث می شود که بسیاری از ایرانیان این چنین رفتار کنند و بگونه ای لذت همدلی را بچشند. چنین تفاوتی حتی بین فرهنگ های به نسبت گرمتر اروپایی به طور مثال فرهنگ ایتالیایی با فرهنگ های سرد تر، دیده می شود [۱۱۲]. شاخص فردگرایی [۱۱۳، ۱۱۴] برای بسیاری از کشورهای انگلیسی زبان بسیار بالاتر از کشورهای مترقی دیگر است. به طور مثال شاخص فردگرایی هفتستید [۱۱۵] برای کشورهای آمریکا ۹۱، انگلیس ۸۹، استرالیا ۹۰، هلند ۸۰، ایتالیا ۷۶، دانمارک ۷۴، فرانسه ۷۱، آلمان ۶۷، اسپانیا ۵۱، ژاپن ۴۶، ترکیه ۳۷، یونان ۳۵، پرتغال ۲۷، چین ۲۰، سنگاپور ۲۰، پاکستان ۱۴ و ایران ۴۱ است [۵۸]. البته همه می دانیم که به علت فقدان مراکز آمارگیری قوی و مسایل مشابه، خطای بالایی معمولاً همراه آمارهای مرتبط با ایران است. اینکه شاخص فردگرایی کشوری مثل ایتالیا که جزو کشورهای فرهنگ گرم شناخته می شود آنچنان بالاست، شاید حکایت از تغییرات شدید جامعه ایتالیا در دهه های اخیر دارد. ولی در آمار بالا نکات جالبی وجود دارد که جالب ترین آن عدم همگرایی کاملاً مستقیم شاخص فردگرایی با مدرن بودن کشور است. در حالی که آمریکا کشوری است که از لحاظ بسیاری از شاخص های اجتماعی در مقایسه با اکثر کشورهای اروپایی، سنتی تر است [۱۱۶]، و طبق نظری از نظر ارزش های سنتی غیر سکولار از تمام کشورهای اروپایی به جز ایرلند سنتی تر است [۴۳]، حال چنین کشوری بالاترین شاخص فردگرایی در دنیا را دارد. در مقابل کشور مدرنی مثل ژاپن، شاخص فردگرایی نزدیک به ایران دارد! این خود به نوعی شاید نشان می دهد که با اینکه قسمتی از فردگرایی موجود در بسیاری از جوامع غربی ریشه در ذات مدرنیته دارد، قسمت بزرگ دیگری از آن ریشه های فرهنگی و تاریخی دارد و بیش از اینکه فردگرایی محصول مدرنیته باشد، محصول لیبرالیسم و نظام اقتصادی آزاد است [۵۹، ۶۰]. از دیدگاه نویسنده، بسیار طبیعی است که برای حرکت از جامعه سنتی به سمت یک جامعه مدرن، انسانها استقلال فکری پیدا کنند و چنین استقلالی قطعاً میزانی از فردگرایی را طلب می کند ولی لزوماً میزان بسیار بالای فردگرایی برای هر فرهنگی، امری مثبت نمی باشد چون می تواند باعث کاهش نشاط زندگی، کاهش همدلی بین انسانها و خودپرستی آنان شود.

جدا از آنچه ذکر شد، میزان بسیار بالای فردگرایی شاید خود باعث کند شدن حرکت به سمت مدرنیته شود. زیرا وقتی انسان تنها باشد، احتمال آنکه بخواهد با اعتقادات سنتی و مذهبی به ارث برده از خانواده و یا تبلیغ شده توسط محیط پیرامون، خود را تنها نبیند و عقاید مذهبی و نهادهای سنتی-مذهبی جامعه را پشتیبان خود ببیند،

بالاست و بدین سبب شاید شجاعت زیرسوال بردن و تغییر مسایل بنیادی جامعه سنتی را نداشته باشد. به طور مثال عده ای بر این عقیده اند که یکی از دلایل سنتی بودن نحوه فکر کردن مردم آمریکا در مقایسه با مردم اروپا این است [۴۳] که مردم آمریکا در ابتدا مهاجران تنهایی بوده اند که برای رهایی از تنهایی و تعریف هویت در جامعه جدید، به کلیساها پناه می برده اند [۱۱۷].

در فرهنگ های سرد که فردگرایی در بسیاری از نقاط مقابل گروه گرایی قرار می گیرد، بسیاری از ارکان محیط های کار هم بر همین اساس شکل می گیرد. به طور مثال بر خلاف ایران که بسیاری از محیط های کاری به صورت اتاق های تفکیک نشده می باشد، در اکثر کشورهای مدرن تا آنجا که ممکن است محیط های کاری بین افراد تفکیک می شود و اصولاً روابط اجتماعی به نسبت محدودتری (در مقایسه با فرهنگ های گروه گرا) بین افراد، در خارج از محیط کار وجود دارد [۱۱۸]. در فرهنگ های فردگرا، بر خلاف فرهنگ های جمع گرا که به نوعی هویت جمعی نقشی اساسی دارد، بسیاری از روابط بین انسانها ریشه های رقابتی می گیرد [۱۱۸]، چرا که بسیاری از سیستم ها بر مبنای علاقه و هویت فردی شکل گرفته است. وجود رقابت بالا در بین افراد، قطعاً موجب افزایش تولید تک تک افراد و در نتیجه افزایش کارایی سیستم ها می شود، ولی چنین محیط هایی لزوماً دلچسب نیستند و چاشنی استرس، همیشه همراه محیط های کار این سیستم ها می باشد.

البته علت بسیاری از رفتارهای گروهی در ایرانیان، جدا از ایجاد حس همبستگی، ریشه های سنتی هم دارد. به این معنا که به طور مثال عدم وجود یا به سختی در دسترس بودن بسیاری از تفریحات امروزه مانند سینما، کانالهای متنوع تلویزیونی، باشگاههای ورزشی، کنسرت های موسیقی، شهرهای بازی و مسافرت های خارج از شهر و کشور موجب می شده است که مردم به تفریحات قابل دسترس و ارزان دیدارهای دسته جمعی پناه ببرند. با مدرن شدن جوامع، استقلال رای و آزادی های فردی اهمیت مضاعفی پیدا کرده است و در کنار آن قابل دسترس بودن بسیاری از تفریحات موجب شده است که اهمیت گردهم آیی های خانوادگی کاهش یابد و به نوعی باعث شده است که مفهوم خانواده از خانواده گسترده به هسته ای تغییر یابد [۱۱۹]. با این حال شاید واقعیت دیگری هم وجود داشته باشد و آن هم این است که ما ایرانیان انسانهای اجتماعی تری هستیم و به روابط جمعی محتاجتریم و از این رابطه ها بیشتر لذت می بریم و در نتیجه برای یکی از با ثبات ترین این روابط، یعنی روابط خانوادگی ارزش بیشتری قایلیم. این بدین معناست که حتی با مدرن شدن بیشتر جامعه ایران، با اینکه از میزان روابط خانوادگی و محفلهای گفتگوهای دوستانه کاسته می شود، باز این روابط در سطحی بالاتر از وضعیت فعلی بسیاری از کشورهای غربی باقی می ماند یا باید بماند. در حقیقت این نکته که مدرنیته با خود میزانی از فردگرایی را به همراه آورده است، یک امر پذیرفته شده است و حتی این مساله هم در ایران با مقایسه کردن زندگی مردم تهران و شهرستان های کوچک قابل دیدن است. ولی نکته این است که سطح علاقه ای که مردم بسیاری از نقاط اروپا به فردگرایی نشان می دهند، شاید ریشه های بسیار عمیق تری از ظهور مدرنیته دارد و ریشه های عمیق فرهنگی داشته باشد و البته همان طور که گفته شد، تفکر فردگرایی به نوعی ریشه در مفهوم



جامعه لیبرال و اقتصاد آزاد دارد [۵۹، ۶۰]. به طور مثال، تفاوت هایی که نحوه ظهور فردگرایی در جامعه مدرن ژاپن در مقایسه با اروپا و آمریکا داشته است، قابل تامل است [۵۹] و نشان از حضور پارامترهای مهم دیگری در کنار مدرنیته، در به وجود آوردن فردگرایی رایج در بسیاری از کشورهای مدرن غربی دارد.

## ۲. قانون گرایی

همان طور که در مقاله های قبلی به آن اشاره شد [۱، ۲]، به علت عدم درک مدرنیته ارزش قوانین جامعه مدنی در ایران آن چنان جا نیفتاده است و این نگاه تقریباً در میان ما ایرانیان همه گیر است. ولی نکته ظریفی که باید در نظر گرفت این است که این تنها علتی نیست که ایرانیان به طور مثال بد رانندگی می کنند [۱۲۰]. بسیاری از ایرانیان به رانندگی به عنوان یک تفریح نگاه می کنند و در نتیجه هنگام رانندگی نمی توانند بسیار سراسر است و منظم رانندگی کنند. جدا از این روحیه هیجان جو ایرانیان و بسیاری از فرهنگ های گرم، علاقه به قانون گریزی و پیروی از رفتارهای آناشسی وار را افزایش می دهد. جالب اینجاست که در ایتالیا که جزو هفت کشور صنعتی دنیاست، رانندگی مردم آنچنان تعریف ندارد [۱۲۱] و تقریباً در اروپا ضرب و المثل است [۱۲۲]. با اینکه فرهنگ حاکم بر ایتالیا همانند فرهنگ بسیار مدرن شمال اروپا نیست، ولی قطعاً مثل ایران یا کشورهای آمریکای لاتین، سنتی نیست. آنچه که مشترک است و شاید مسبب این رفتار مشابه می شود، گرمای رفتاری است. گرمایی که به نوعی باعث می شود رانندگی تنها وسیله ای برای رفت و آمد نباشد و در کنار آن وسیله ای برای تفریح و هیجان باشد، هیجانی که خود روحیه قانون گریزی را افزایش می دهد. وقتی می خواهیم از رانندگی هیجان زده شویم، خود این باعث می شود که دیگر نخواهیم کاملاً طبق یک دستور عمل مشخص رانندگی کنیم. اصولاً هوای گرم و آفتاب به نوعی در رفتار انسان و علاقه او به رفتارهای غیر معمول و تند تاثیر دارد [۱۲، ۱۳] و به طور مثال بین میزان جرم و دمای هوا در بعضی از نقاط آمریکا همبستگی مشاهده شده است [۱۲۳، ۱۲۴]، و عجیب نیست که مردمان کشورهای با آب و هوای گرم رفتارهای قانون شکنانه بیشتری داشته باشند.

بسیاری بر این عقیده اند که اکثر کشورهای شمال اروپا با مذهب پروتستان و حتی بعضی از کشورهای کاتولیک شمال اروپا، از کشورهای جنوب اروپا که مذهب کاتولیک دارند کمتر مقید به قوانین مذهبی هستند و تاریخ نشان داده است که در مورد مسایل دینی بازتر فکر می کنند [۱۲۵، ۱۲۶]. اصولاً به نظر می آید که مردمان کشورهای سردسیر و کم آفتاب به طور متوسط تمایلات مذهبی کمتری به نسبت کشورهای گرمسیر و پر آفتاب دارند. به طور مثال می توان شمال اروپا نسبت به جنوب آن، شمال آسیا نسبت به جنوب آن و در قاره آمریکا، کانادا نسبت به آمریکا و آمریکا نسبت به مکزیک را مقایسه کرد. با اینکه دلایل تاریخی فراوان دیگری وجود دارد که در مذهبی بودن مردم یک کشور تاثیر دارد ولی شاید یکی از دلایل علاقه و نیاز مردم به مذهب در

کشورهای گرمتر، نیاز این جوامع به یک پدیده متافیزیکی قدرتمند برای کنترل رفتار مردم باشد. به این معنا که در کشورهای سردسیر که آمارشی رفتاری بین مردم پایین است و مردم قابلیت بیشتری برای مقید شدن به قوانین را دارند، نیاز کمتری در جامعه به عامل کنترلی مذهب دیده می شود و در کشورهایی که مردم علاقه به انجام رفتارهای قانون گریزانه دارند، نیاز به مذهب برای کنترل رفتار مردم بیشتر حس شده است.

قطعاً عدم درک روح قوانین در ایرانیان امری مذموم است و به طور مثال این همه آمار تصادف جاده ای [۱۲۷] به هیچ وجه قابل قبول نیست، ولی آیا ایرانیان باید دقیقاً مشابه مردم اروپای شمالی رانندگی کنند؟ آیا ایتالیایی ها باید مثل انگلیسی ها رانندگی کنند؟ یا از دیدگاهی دیگر آیا اصولاً ممکن است که یک روز مردم ایران مانند مردم کانادا رانندگی کنند؟

جواب من به این سوالات، تقریباً نه است. من فکر می کنم ما ایرانیان و مشابه ما مردم بسیاری از نقاط گرم دنیا به زندگی به گونه ای نگاه می کنیم که احتیاج به هیجان بیشتری در زندگی داریم و علاقه بالاتری برای رفتارهای غیر یکنواخت داریم. به طور مثال ایرانیان در رانندگی در کنار رفت و آمد، دنبال هیجان و مسایل دیگری هستند که البته بسیاری از این انگیزه ها که منجر به قانون گریزی می شوند، جزو ناهنجاریهای فعلی جامعه ایران است [۱۲۸]. ولی مساله این است که قسمتی از این هیجان، از دیدگاه من برای مردمان سرزمین های گرم طبیعی است. حال ممکن است این سوال مطرح شود که با چنین نگاهی قطعاً آمار تصادف ایران بالاتر از آمار تصادف دانمارک یا کانادا خواهد بود. در جواب به این سوال باید گفت که قطعاً سطح اطاعت از قوانین باید در ما ایرانیان به شدت تقویت شود که البته این در کنار آموزش، احتیاج به حل شدن قسمتی دیگر از مسایل جامعه ایران دارد. ولی این به این معنا نیست که ما هم لزوماً می توانیم آمار تصادفی پایینی مشابه با کشور دانمارک داشته باشیم و یا شاید برای داشتن آمار تصادف مشابه، ما احتیاج به امکانات بیشتر و به طور مثال جاده های بهتری نسبت به مردمان این کشورها و مسیرهای مسابقه بیشتری در سطح کشور برای تخلیه هیجانات ایرانیان داشته باشیم. قطعاً فراهم بودن فعالیت های هیجان انگیز جانبی مانند شهرهای بازی می تواند به ارضای حس هیجان طلبی عموم ایرانیان کمک کند و تا حدی نگاه به رانندگی به عنوان تفریح را کاهش دهد. همچنین احتمالاً ایرانیان در کنار افزایش امکانات، به سطح بالاتری از نظارت در اجرای قوانین احتیاج دارند. ولی نکته اصلی کلام بالا این است که در حقیقت توقعی که از میزان تصادف در جاده وجود دارد، ممکن است که بین کشورهای مختلف فرق داشته باشد، چرا که به طور مثال، برای ما رانندگی تعریف صد در صد مشابه ای با یک دانمارکی ندارد و حتی با افزایش تفریحات و امکانات، شاید هیچ وقت به سطح بعضی از این کشورها نرسد. باز تاکید می کنم که به هیچ وجه نرخ فعلی تصادفات جاده ای در ایران قابل قبول نیست و آنچه اشاره شد، بیشتر به هدف آشنایی با استانداردهای معقول برای جامعه ایران نوشته شده است.

### ۳. سطح احتیاط

در حالی که ایرانیان از نوعی محافظه کاری فکری رنج می برند [۱، ۲] و کمتر جسارت می کنند که به صورتی منطقی به بسیاری از باورهای زندگی روزمره شک کنند، در وجهی دیگر از زندگی انسانهای متهور و اهل ریسکی به نظر می آیند. ملموس ترین نمونه از این رفتارها در حال حاضر در چهارشنبه سوری دیده می شود. رفتارهای پر خطری که جوانان برای لذت خود انجام می دهند و برای افزایش هیجان حاضرند ریسک بسیاری از رفتارهای مخاطره آمیز را قبول کنند. حال سوال این است که آیا چنین رفتارهایی قابل قبول است یا نه؟

قطعاً سطح استانداردهای ایمنی در ایران غیر قابل قبول و تاسف انگیز است و اصولاً اهمیت جان و ارزش آدمی در ایران آنچنان جا نیفتاده است. چه از لحاظ ارزش گذاری و چه از لحاظ اقتصادی جا نیفتاده است که جان و سلامت یک انسان چقدر ارزش دارد. جدا از این عدم وجود یا باور به بسیاری از تفریحات رایج در جهان برای جوانان باعث می شود که هیجان طلبی انباشته شده در جوانان به صورت صاعقه ای ترسناک در بعضی از مناسبت های اجتماعی خود را نمایان کند. ولی با همه این حرفها، سوال این است که آیا ما هم در مناسبت های ملی خود باید کاملاً مشابه مردم شمال اروپا رفتار کنیم و باید ما هم مشابه آنان در سرگرمیهای خود حداکثر میزان احتیاط را داشته باشیم و اصولاً آیا چنین چیزی ممکن است؟ برای روشن شدن بحث به مثالی اشاره می کنم: در اسپانیا فستیوال مشهوری است که به دویدن گاو شهرت دارد. در این مراسم مردم جلوی گاو وحشی می دوند و در یکی از مشهورترین این فستیوالها در شهر پامپلونا از سال ۱۹۱۰، ۱۵ نفر تاکنون (۲۰۰۸) جان خود را از دست داده اند [۱۲۹]. چرا مشابه چنین سرگرمی های مخاطره آمیزی، در انگلیس یا آلمان در طول تاریخ شکل نگرفته است؟ آیا چنین سرگرمی هایی قابل قبول است؟

جواب دادن به این سوال کمی سخت است چون بستگی به نگاه ما به دنیا و اهداف ما از زندگی دارد. ولی فکر می کنم که پیش از جواب دادن به این سوال بهتر است ابتدا به یک مثال اشاره کنم. در تربیت بچه، برای امنیت او ما می توانیم بچه را به شدت محدود کنیم و سعی کنیم همه رفتارهای او را کنترل کنیم. قطعاً با این روش، احتمال آسیب رسیدن به بچه به شدت کاهش می یابد. ولی قطعاً چنین بچه ای لذت آنچنانی از کودکی خود نمی برد و اگر این بچه در ذات خود، بچه پر شوری باشد قطعاً دچار حس سرخوردگی، سرکوب و افسردگی می شود. البته اگر این بچه، بچه ای باشد که آنچنان هم پر شور نباشد شاید چنین مشکلاتی برای او ظهور ننماید. عصاره کلام این است که من فکر نمی کنم که هیچ وقت ما می توانیم به حدی از احتیاط برسیم که هیچ خطری انسانها را در تفریحاتشان تهدید نکند و لزومی ندارد برای مردمی که احتیاج به شور و هیجان بیشتری در زندگی دارند، ما همان استانداردها و رفتارهایی را توقع داشته باشیم که در اکثر کشورهای پیشرفته شمال دنیا انتظار می رود. همان طور که نمی توان خطرات کوهنوردی یا اسکی را با ورزش تنیس یا گلف یکی کرد، نمی توان خطرات

تفریحات ملل مختلف دنیا را با هم یکی کرد. البته با مدرن شدن جامعه ایران و تولید بیشتر ثروت در کنار توزیع عادلانه تر آن، زمینه برای تعریف تفریحات هیجان انگیز با سطح ایمنی بالا فراهم می شود و واضح است که ریشه اصلی این همه خطرآفرینی در حال حاضر کمیود امکانات تفریحی برای غالب جوانان است. باید اینجا مجدداً اشاره کنم که وضعیت شبه جنگی که در چهارشنبه سوری در ایران حاکم است و همراه با تجاوز به حریم امنیت و آسایش دیگران است، قطعاً قابل قبول نیست.

هدفی که در نوشتار بالا وجود دارد یک نوعی آشنا کردن با خود است، با این حال قطعاً موارد بالا همه مزایای فرهنگی ایرانیان را در بر نمی گیرد و موارد فوق مهمترین قسمت هایی بود که به ذهن نویسنده رسیده است. ثانیاً در مفید و مضر بودن بعضی از آنها همچون قسمت های پایانی نوشته، بحث های سلیقه ای مطرح است. ولی آنچه که واضح می نماید، این است که همان طور که شناخت مشکلات به ما قدرت برنامه ریزی، مقابله و توان حذف مشکلات را می دهد، شناخت قابلیت ها و استعدادها به ما اعتماد به نفس لازم برای تعریف یک هویت قوی را می دهد. و بدین ترتیب هویت ما کنار گذشته (افتخارات تاریخی) و آینده (هدفی زیبا برای ایجاد یک جامعه مدرن)، حال و مزایای فرهنگی این مقطع زمانی را نیز با خود همراه دارد. در حالی که همکنون به علت سبقت گرفتن بسیاری از کشورهای شمال دنیا (اروپای شمالی، آمریکای شمالی و روسیه) در علم و تکنولوژی از ایران به طور طبیعی باید به فرهنگمان شک کنیم، این شک نباید به گونه ای باشد که آنچه را داریم فراموش کنیم. باید این را بدانیم که فرهنگ ایرانی مملو از ظرافت هایی است که فرهنگ های بسیاری از کشورهای متمدنی دنیا فاقد آنند و در حرکت به سوی یک جامعه مدرن، ما باید توجهی مضاعف به این استعدادها داشته باشیم، چرا که در روند فعلی دنیا بسیاری از سرمایه های فرهنگی کشورها آسیب پذیرند.

برای طرح نظراتتان به این پیوند مراجعه کنید

<http://www.hanifworld.com/tellme.htm>

و یا از طریق پست الکترونیکی با من تماس بگیرید

hanifbayat [at] yahoo [.] com

حنیف بیات موحد

خرداد ۱۳۸۷

- [1] <http://www.hanifworld.com/culture-problems.htm> مشکلات فرهنگی ما ایرانیان
- [2] <http://www.hanifworld.com/Solutions.htm> ریشه یابی مشکلات فرهنگی جوامع ایرانی و ارائه راههای ارتقای فرهنگی و شکوفایی ایران
- [3] [http://en.wikipedia.org/wiki/Persian\\_Empire](http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_Empire) Persian Empire-wikipedia
- [4] <http://en.wikipedia.org/wiki/Modernity> Modernity-wikipedia
- [5] [http://www.aftab.ir/articles/art\\_culture/arts/c5c1160993391\\_sculpture\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/art_culture/arts/c5c1160993391_sculpture_p1.php) دیدگاه دین درباره نقاشی و مجسمه سازی
- [6] <http://plato.stanford.edu/entries/globalization/> William Scheuerman, "Globalization", Standford Encyclopedia of Philosophy
- [7] <http://www.britannica.com/eb/article-32204/Iran> Iran climate-Britannica Online Encyclopedia
- [8] [http://en.wikipedia.org/wiki/Mediterranean\\_climate](http://en.wikipedia.org/wiki/Mediterranean_climate) Mediterranean climate-wikipedia
- [9] <http://www.sfgate.com/cgi-bin/article.cgi?file=/chronicle/archive/2000/11/13/MN111208.DTL> Tom Abate, "Nobel Winner's Theories Raise Uproar in Berkeley"
- [10] [http://www.ur.umich.edu/0405/Oct25\\_04/31.shtml](http://www.ur.umich.edu/0405/Oct25_04/31.shtml) Joseph Serwach, "Warm weather boosts mood, broadens the mind", university of Michigan
- [11] <http://www.bmj.com/cgi/content/full/321/7252/12> Agent provocateur pursues happiness
- [12] <http://www.sciencedirect.com/science?ob=ArticleURL&udi=B6V7W-3YT4JRR-4&user=10&rdoc=1&fmt=&orig=search&sort=d&view=c&acct=C000050221&version=1&urlVersion=0&userid=10&md5=ba8f8c15464b7311892ffd2f31e2c545> Ehor Boyanowsky, International Journal of Law and Psychiatry, Volume 22, Issues 3-4, 8 May 1999, Pages 257-271, "Violence and Aggression in the Heat of Passion and in Cold Blood The Ecs-TC Syndrome"
- [13] <http://www.guardian.co.uk/environment/2001/may/30/g2.weather>, Emma Brockes and Oliver Burkeman, The Guardian, May 30 2001, "Blame it on the sunshine"
- [14] <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/15306031> Leppämäki, Sami; Haukka J, Lonnqvist J, Partonen T (2004). "Drop-out and mood improvement: a randomised controlled trial with light exposure and physical exercise". *BMC Psychiatry* 4 (22). PMID 15306031.
- [15] <http://karofarhang.blogfa.com/> وبلاگ فرهنگ کار ایرانیان و غیر ایرانیان
- [16] [http://en.wikipedia.org/wiki/Culture\\_of\\_Iran](http://en.wikipedia.org/wiki/Culture_of_Iran) Culture of Iran-Wikipedia
- [17] <http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%AC> صفحه ویکیپدیای فارسی - برنج
- [18] <http://www.hanifworld.com/Polow.htm> پلوهای ایرانی
- [19] <http://www.hanifworld.com/Kabab.htm> کباب های ایرانی
- [20] [http://www.aftab.ir/articles/art\\_culture/music/c5c1144598011\\_music\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/art_culture/music/c5c1144598011_music_p1.php) تاریخچه موسیقی
- [21] [http://en.wikipedia.org/wiki/Taq-e\\_Bostan](http://en.wikipedia.org/wiki/Taq-e_Bostan) Taq-e-Bostan-Wikipedia
- [22] <http://en.wikipedia.org/wiki/Yasht> Yasht-Wikipedia
- [23] [http://en.wikipedia.org/wiki/Music\\_of\\_Iran](http://en.wikipedia.org/wiki/Music_of_Iran) Music of Iran-Wikipedia
- [24] [http://www.radiozamaneh.org/music/2007/05/post\\_161.html](http://www.radiozamaneh.org/music/2007/05/post_161.html) کتابی روسی درباره موسیقی ایرانی
- [25] [http://www.jadidonline.com/story/08062007/fq/mowlavi\\_in\\_us](http://www.jadidonline.com/story/08062007/fq/mowlavi_in_us) رضا فرخ فال، «مولوی در آمریکا»
- [26] [http://news.bbc.co.uk/2/hi/south\\_asia/7016090.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/south_asia/7016090.stm) Charles Haviland, "The roar of Rumi - 800 years on"
- [27] [http://en.wikipedia.org/wiki/Jalal\\_al-Din\\_Muhammad\\_Rumi](http://en.wikipedia.org/wiki/Jalal_al-Din_Muhammad_Rumi) Jalal ad-Din Muhammad Balkhi-Rumi -Wikipedia
- [28] <http://www.hambastegidaily.com/artresult.asp?code=1157> تاثیر خيام بر مارك توابن و تي اس اليوت
- [29] [http://en.wikipedia.org/wiki/Yusef\\_and\\_Zulaikha](http://en.wikipedia.org/wiki/Yusef_and_Zulaikha) Yusef and Zulaikha-wikipedia
- [30] <http://www.omphaloskepsis.com/ebooks/pdf/joseph.pdf> English translation of Yusef and Zulaikha
- [31] [http://en.wikipedia.org/wiki/Shirin\\_and\\_Farhad](http://en.wikipedia.org/wiki/Shirin_and_Farhad) Chosroes and Shirin-wikipedia
- [32] <http://en.wikipedia.org/wiki/Hafez> Hafez-Wikipedia
- [33] <http://www.poetry-portal.com/poets4.html> Persian poetry: Hafez
- [34] <http://persianlanguage.ir/?page=news&id=99> روز ملاقات «شمس» و «مولانا» جهانی می شود
- [35] [http://www.aftab.ir/art/painting/history\\_of\\_iran/oldera\\_islamic.php](http://www.aftab.ir/art/painting/history_of_iran/oldera_islamic.php) تاریخ نقاشی ایران-دوران کهن- دوران اسلامی
- [36] [http://en.wikipedia.org/wiki/Persian\\_rug](http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_rug) Persian Rug-Wikipedia
- [37] [http://en.wikipedia.org/wiki/Salsa\\_%28dance%29](http://en.wikipedia.org/wiki/Salsa_%28dance%29) Salsa dance-Wikipedia
- [38] <http://www.esto.es/tango/english/default.htm> Tango
- [39] [http://en.wikipedia.org/wiki/Italian\\_American](http://en.wikipedia.org/wiki/Italian_American) Italian American-Wikipedia

- [40] <http://www-staff.it.uts.edu.au/~don/pubs/latin.html> Don Herbison-Evans, "HISTORY OF LATIN-AMERICAN DANCING"
- [41] [http://www.bbc.co.uk/persian/programmes/story/2008/02/080214\\_fe-letterfromlondon68.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/programmes/story/2008/02/080214_fe-letterfromlondon68.shtml) علیزاده طوسی، «قضیه وضع شعر در اینجا و آنجا»
- [42] [http://radiozamaaneh.com/music/2007/12/post\\_183.html](http://radiozamaaneh.com/music/2007/12/post_183.html) سرگذشت یک ترانه-نوبت «مرهم» بود، به سال صفر
- [43] [http://www.economist.com/displaystory.cfm?story\\_id=1511812](http://www.economist.com/displaystory.cfm?story_id=1511812) Economist Jan 2nd 2003, "How America and Europe divide over values"
- [44] <http://www.iranpoetry.com/archives/000736.php> «گوته و تاثیر پذیری از حافظ»، سید ابوالفضل جعفری نژاد، مجله شعر
- [45] [http://fa.wikipedia.org/wiki/دیوان\\_غربی-شرقی-ویکیپدیا](http://fa.wikipedia.org/wiki/دیوان_غربی-شرقی-ویکیپدیا) دیوان غربی-شرقی-ویکیپدیا
- [46] <http://www.iranpoetry.com/archives/000542.php> «گسترش شعر و ادب فارسی در جمهوری آذربایجان»، علی اصغر شعر دوست، مجله الفبا
- [47] <http://www.iranpoetry.com/archives/000540.php> «ترجمه و تاثیر شعر فارسی در شبه قاره»، دکتر ابوالقاسم رادفر، به نقل از مجله آناهید (شماره سوم، آبان و آذر ماه 1383)
- [48] [http://en.wikipedia.org/wiki/Mughal\\_Empire](http://en.wikipedia.org/wiki/Mughal_Empire) Mughal Empire-wikipedia
- [49] [http://en.wikipedia.org/wiki/Ottoman\\_Turkish\\_language](http://en.wikipedia.org/wiki/Ottoman_Turkish_language) Ottoman Turkish Language-wikipedia
- [50] [http://en.wikipedia.org/wiki/Persianate\\_society](http://en.wikipedia.org/wiki/Persianate_society) Persianate society-wikipedia
- [51] [http://en.wikipedia.org/wiki/Richard\\_Nelson\\_Frye](http://en.wikipedia.org/wiki/Richard_Nelson_Frye) Richard Nelson Frye-wikipedia
- [52] R.N. Frye, *The Golden Age of Persia*, London: Butler & Tanner Ltd., 1989, p.236
- [53] [http://en.wikipedia.org/wiki/James\\_D.\\_Watson](http://en.wikipedia.org/wiki/James_D._Watson) James Watson-Wikipedia
- [54] <http://www.imdb.com/title/tt0116209/> The English Patient-IMDB
- [55] <http://www.artarena.force9.co.uk/perlm.htm> Layli and Madjnun, In Persian Literature
- [56] <http://www.fordham.edu/halsall/source/1190nizami1.html> Khosru & Shireen
- [57] <http://www.adabkade.com/library/hafez/> حافظ شیرازی-ادبکده- بانک ادبیات فارسی
- [58] <http://www.clearlycultural.com/geert-hofstede-cultural-dimensions/individualism/> Clearly Culture, Making Sense of Cross Cultural Communication, Individualism
- [59] <http://en.wikipedia.org/wiki/Individualism> Individualism-Wikipedia
- [60] <http://science.jrank.org/pages/9786/Individualism-Individualism-Modern-Society.html> Individualism and Modern Society
- [61] <http://www.colemanbarks.com/> Coleman Barks
- [62] <http://www.fakouhi.com/node/1887> گفتمان اس ام اس (پیام کوتاه) در جامعه امروز ایران
- [63] [http://radiozamaaneh.com/news/2007/03/118\\_sms.html](http://radiozamaaneh.com/news/2007/03/118_sms.html) رکورد ۱۱۸ میلیون اس ام اس برای روز اول فروردین
- [64] [http://radiozamaaneh.com/idea/2008/05/post\\_313.html](http://radiozamaaneh.com/idea/2008/05/post_313.html) گفت‌وگو با دکتر محمد توکلی طرقي، استاد تاریخ و «سنتی شدن، یکی از جلوه‌های تجدد است» مطالعات خاورمیانه دانشگاه تورنتو،
- [65] [http://en.wikipedia.org/wiki/Timurid\\_dynasty](http://en.wikipedia.org/wiki/Timurid_dynasty) Timurid Dynasty-wikipedia
- [66] [http://en.wikipedia.org/wiki/Ismail\\_I](http://en.wikipedia.org/wiki/Ismail_I) Ismail I-wikipedia
- [67] <http://en.wikipedia.org/wiki/Zyriab> Zyriab-Wikipedia
- [68] [http://en.wikipedia.org/wiki/Modest\\_Mussorgsky](http://en.wikipedia.org/wiki/Modest_Mussorgsky) Modest Mussorgsky-wikipedia
- [69] <http://nav-nava.blogfa.com/> Nay Nava, the encyclopedia of Persian (Iranian) musical instruments
- [70] [http://fa.wikipedia.org/wiki/موسیقی\\_سنتی\\_ایرانی-ویکیپدیا](http://fa.wikipedia.org/wiki/موسیقی_سنتی_ایرانی-ویکیپدیا) موسیقی سنتی ایرانی-ویکیپدیا
- [71] [http://en.wikipedia.org/wiki/Iranian\\_folk\\_music](http://en.wikipedia.org/wiki/Iranian_folk_music) Iranian Folk Music-Wikipedia
- [72] [http://www.aftab.ir/articles/art\\_culture/handicrafts/c5c1204619733\\_cloisonne\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/art_culture/handicrafts/c5c1204619733_cloisonne_p1.php) هنر میناکاری
- [73] [http://fa.wikipedia.org/wiki/خاتم\\_کاری-ویکیپدیا](http://fa.wikipedia.org/wiki/خاتم_کاری-ویکیپدیا) هنر خاتم کاری-ویکیپدیا
- [74] [http://www.aftab.ir/news/2007/jun/20/c5c1182354021\\_art\\_culture\\_handicrafts\\_hand\\_craft.php](http://www.aftab.ir/news/2007/jun/20/c5c1182354021_art_culture_handicrafts_hand_craft.php) منبت کاری هنری مشتمل بر حکاکی و کنده کاری بر روی چوب براساس نقشه‌ای دقیق
- [75] [http://fa.wikipedia.org/wiki/معرق\\_کاری-ویکیپدیا](http://fa.wikipedia.org/wiki/معرق_کاری-ویکیپدیا) معرق کاری-ویکیپدیا
- [76] <http://www.bijan.com/> Bijan Pakzad Official website
- [77] [http://findarticles.com/p/articles/mi\\_m5072/is\\_20\\_22/ai\\_62386408/pg\\_2](http://findarticles.com/p/articles/mi_m5072/is_20_22/ai_62386408/pg_2) The SULTAN of Sartor
- [78] [http://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_Ig\\_Nobel\\_Prize\\_winners#1995](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Ig_Nobel_Prize_winners#1995) List of Ig Nobel Prize winners
- [79] [http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2007/11/071109\\_mf\\_bijan.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2007/11/071109_mf_bijan.shtml) علت موفقیت ایرانی بودنم است

- [80] <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ir.html> The World Fact Book-Iran
- [81] [http://en.wikipedia.org/wiki/Persian\\_garden](http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_garden) Persian Garden-Wikipedia
- [82] <http://www.iranica.com/newsite/articles/v10f3/v10f390b.html> Influence of Persian Gardens in India-Iranica
- [83] [http://www.landscape.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=736&Itemid=76](http://www.landscape.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=736&Itemid=76) اصول طراحی باغ ایرانی
- [84] <http://en.wikipedia.org/wiki/Calligraphy> Calligraphy -wikipedia
- [85] <http://www2.enel.ucalgary.ca/People/far/hobbies/iran/calligraphy.html> Iran:An Introduction-Calligraphy
- [86] [http://fa.wikipedia.org/wiki/خوشنویسی\\_ایرانی](http://fa.wikipedia.org/wiki/خوشنویسی_ایرانی) - ویکیپدیا خوشنویسی ایرانی
- [87] [http://en.wikipedia.org/wiki/Shah\\_Mosque](http://en.wikipedia.org/wiki/Shah_Mosque) Shah Mosque-Wikipedia
- [88] [http://www.donya-e-egtesad.com/Default\\_view.asp?@=100645](http://www.donya-e-egtesad.com/Default_view.asp?@=100645) فروش میلیون دلاری آثار ایران
- [89] <http://ezinearticles.com/?Milan-Fashion-Capital-of-The-World&id=189180> Dara Ward, "Milan-Fashion Capital of the World"
- [90] <http://www.hanifworld.com/Sofreh.htm> Iranian Dining Table
- [91] [http://en.wikipedia.org/wiki/Persian\\_cuisine](http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_cuisine) Persian Cuisine-Wikipedia
- [92] [http://en.wikipedia.org/wiki/Italian-American\\_cuisine](http://en.wikipedia.org/wiki/Italian-American_cuisine) Italian American Cuisine-Wikipedia
- [93] <http://www.census.gov/prod/2004pubs/c2kbr-35.pdf> Ancestry: 2000, Census 2000 Brief
- [94] [http://en.wikipedia.org/wiki/Cuisine\\_of\\_the\\_United\\_States](http://en.wikipedia.org/wiki/Cuisine_of_the_United_States) Cuisine of the United States-Wikipedia
- [95] <http://www.restaurant.org/pressroom/print/index.cfm?ID=124> Sue Hensley, Tourang Nazari, National Restaurant Association, "International Cuisine Reaches America's Main Street," 10 August 2000.
- [96] <http://www.hanifworld.com/CanadianMeals.htm> Typical Canadian Meals & Foods
- [97] <http://en.wikipedia.org/wiki/Iranian-American> Iranian-American Wikipedia
- [98] <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/uk.html> The World Fact Book-United Kingdom
- [99] <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/gm.html> The World Fact Book-Germany
- [100] <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/fr.html> The World Fact Book-France
- [101] <http://www.hanifworld.com/Khoresht.htm> خورشید های ایرانی
- [102] <http://www.hanifworld.com/Shirini.htm> شیرینی های ایرانی
- [103] [http://www.krysstal.com/display\\_inventions.php?years=1%2C000+BC+to+1+BC](http://www.krysstal.com/display_inventions.php?years=1%2C000+BC+to+1+BC) Inventions from 1000 BC to 1 BC
- [104] <http://www.kitchenproject.com/history/cookies.htm> The History of Cookies
- [105] <http://whatscookingamerica.net/History/CookieHistory.htm> Linda Stradley, "History of Cookies", What's Cooking America
- [106] [http://bp0.blogger.com/\\_dRj9DN75euI/RexOSfGhRMI/AAAAAAAAAGI/WD8x2nZVJKQ/s1600-h/lactose+tolerance.JPG](http://bp0.blogger.com/_dRj9DN75euI/RexOSfGhRMI/AAAAAAAAAGI/WD8x2nZVJKQ/s1600-h/lactose+tolerance.JPG) Distribution of Adult Lactose Tolerance
- [107] <http://www.cambridge.org/us/books/kipple/lactose.htm> The Cambridge World History of Food-Lactose Intolerance
- [108] <http://news.goova.com/society/archives/013218.php> «زن ایرانی و اجتماعی کاملاً مردانه، نگاهی به لزوم ایجاد مراکز فعالیت اجتماعی و فرهنگی برای زنان»، سمیه نصرتی، سینا
- [109] [http://www.upliftprogram.com/depression\\_stats.html](http://www.upliftprogram.com/depression_stats.html) Bob Murray and Alicia Fortinberry, "Depression Facts and Stats"
- [110] [http://www.dw-world.de/popups/popup\\_printcontent/0,,2991880,00.html](http://www.dw-world.de/popups/popup_printcontent/0,,2991880,00.html) دکتر محمد اربابی، «افسردگی و راه‌های درمان آن»
- [111] <http://fararoo.ir/vdcf1tdy.w6dyxagiwv.html> زهرا فدایی، «امید به زندگی در ایران»
- [112] <http://students.depaul.edu/~jborger/> Welcome to Italy
- [113] <http://www.tamu.edu/classes/cosc/choudhury/culture.html> Culture
- [114] Hofstede, G. (1997). Cultures and Organizations: Software of the mind. New York: McGraw Hill.
- [115] [http://en.wikipedia.org/wiki/Geert\\_Hofstede](http://en.wikipedia.org/wiki/Geert_Hofstede) Geert Hofstede-wikipedia

- [116] [http://www.christianpost.com/article/20080429/32160\\_Poll: U.S. More Bible-Wired, Prayerful than Europe%5C's Christian Nations.htm](http://www.christianpost.com/article/20080429/32160_Poll: U.S. More Bible-Wired, Prayerful than Europe%5C's Christian Nations.htm) Ethan Cole, "Poll: U.S. More Bible-Wired, Prayerful than Europe's Christian Nations", Christian Post Reporter
- [117] <http://fergus.wordpress.com/2006/12/16/why-are-americans-so-religious/> Why are Americans so Religious?, Dec. 16, 2006
- [118] <http://www.itapintl.com/culturaldifferenceeuna.htm> Lionel Laroche, "The Cultural Differences between the European Union and North America and their Impact on Transatlantic Business"
- [119] [http://www.aftab.ir/articles/social/family\\_home/c4c1154423131\\_sociology\\_family\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/social/family_home/c4c1154423131_sociology_family_p1.php) جامعه شناسی خانواده
- [120] [http://www.aftab.ir/articles/social/urban/c4c1193924031\\_driving\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/social/urban/c4c1193924031_driving_p1.php) جامعه شناسی وضعیت رانندگی در شهرهای ایران
- [121] <http://www.slowtrav.com/Italy/driving/introduction.htm> Pauline Kenny, "Driving in Italy"
- [122] <http://www.lifeinitaly.com/flash/> Italians & Europeans Flash Video
- [123] <http://bjc.oxfordjournals.org/cgi/content/abstract/30/1/51> Ellen G. Cohn, *The British Journal of Criminology* 30:51-64 (1990), "Weather and Crime"
- [124] <http://cab.sagepub.com/cgi/content/abstract/22/2/280> Ellen G. Cohn, *Environment and Behavior*, Vol. 22, No. 2, 280-294 (1990), "Weather and Violent Crime"
- [125] [http://en.wikipedia.org/wiki/Religion\\_in\\_Europe](http://en.wikipedia.org/wiki/Religion_in_Europe) Religion in Europe-Wikipedia
- [126] [http://ec.europa.eu/public\\_opinion/archives/ebs/ebs\\_225\\_report\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/public_opinion/archives/ebs/ebs_225_report_en.pdf) Social values, science and technology, June 2005
- [127] [http://www.aftab.ir/articles/economy\\_marketing\\_business/autos/c2c1208082508p1.php](http://www.aftab.ir/articles/economy_marketing_business/autos/c2c1208082508p1.php) خسارت مالی تصادفات جاده ای، چهار درصد تولید ناخالص داخلی
- [128] <http://www.farhangoftego.com/War.in.Road.Of.Iran.Hamid.Moazeni.html> حمید موذنی، «جنگ در جاده های ایران»
- [129] [http://en.wikipedia.org/wiki/Running\\_of\\_the\\_bulls](http://en.wikipedia.org/wiki/Running_of_the_bulls) Running of the bulls –Wikipedia